

**یادداشت**

عباس اورنگ

### یک سوپه نگاه نکنیم...

اساساً سهم حق بیمه در هزینه‌های تولید یک موسسه، بستگی به‌فعالیت یک موسسه دارد که در این خصوص، نمی‌توان در سبد هزینه‌های آن، سهم واحدی را برای حق بیمه قائل شد. طبیعی است چنانچه فعالیت یک موسسه، خدماتی، تولیدی و یا تامین نیروی انسانی باشد، سهم حقوقی دستمزد پرسنل در آنها متفاوت بوده و چه‌بسا در دو موسسه تولیدی – بسته به نوع تکنولوژی کاربردی – سهم حقوق و دستمزد و به تبع آن، سهم حق بیمه مورد محاسبه و پرداختی، متفاوت بوده و از یک رویه واحد تبعیت نمی‌کند. بدیهی است که در یک موسسه، هرچه نسبت انجام کار از کار یدی، به‌سمت کار اتوماسیون و مکانیزه سوق یابد، نسبت حقوق و دستمزد و متفرعات آن کاهش پیدا می‌کند. لذا این استدلال که حق بیمه پرداختی، سهم بالایی در هزینه سربار یک موسسه دارد، در همه شرایط قابل اثبات نیست. اینکه در برخی صنایع و بخش‌های تولیدی به‌خاطر استفاده از نیروی انسانی و یا یدی و غیرمکانیزه‌بودن فعالیت، سهم حقوق و دستمزد تا ۱۰ درصد کل هزینه‌ها برسد، موردتایید بوده کمااینکه در نقطه مقابل نیز ممکن است در صنایع سرمایه‌بر و تکنولوژی‌بر، سهم حقوق دستمزد حداکثر تا یک‌درصد و یا کمتر باشد. لذا نمی‌توان به‌طور مطلق سهم حق بیمه را صرفاً بر مبنای ۳۰درصد–۱۰درصد یا ۳۰درصد–۱درصد در نظر گرفت و دچار خطا در تحلیل و نتیجه‌گیری شد. بررسی صورت‌گرفته مبن آن است که سهم هزینه‌های پرسنلی در صنایع مختلف، حدوداً بین ۳ تا ۵درصد کل هزینه‌ها بوده که با لحاظ میانگین کلی سهم حق بیمه، یک تا یک‌ونیم درصد سهم هزینه‌های یک موسسه تولیدی است. در این خصوص، پر واضح است که سهم حق بیمه موردمحاسبه، نقش چندانی در کل هزینه‌های تولید ندارد. و اینکه تقریباً یک‌سوم آن نیز از حقوق و دستمزد نیروی کار کسر و تامین اعتبار می‌شود و تنها دوسوم آن توسط کارفرمایان پرداخت می‌شود. اینکه بخواهیم از طرف دیگر نیز ادعا کنیم که حق بیمه پرداختی تأثیر به‌سزایی در کل هزینه‌های تولید ندارد، ادعای صحیحی نیست؛ ولی باید اشاره داشت که حق بیمه‌های پرداختی همان‌گونه که برای تولید موجد هزینه است، ایجاد امنیت و آرامش روانی ناشی از دارا بودن آینده‌ای مطمئن‌تر، نقش مثبتی در تولید داشته که این مهم معمولاً در محاسبات، مغفول می‌ماند. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه اساساً در سختگیرانه‌ترین سناریو از سهم حق بیمه موردمحاسبه، میزان ناچیزی را می‌توان حذف کرد که این میزان نیز در سرجمع هزینه‌های تولید، تأثیر چندانی ندارد و چنانچه بخواهیم بخش تولید را تقویت کنیم، باید حلقه مفقوده را در جایی دیگری جست‌وجو کرد. در شرایط جاری، بیشترین هزینه کارفرمایی ناشی از کاهش بهره‌وری و یا سایر نهاده‌های تولید همچون تامین سرمایه گردش، انرژی، قیمت تمام‌شده مواداولیه و ... است که توصیه می‌شود در یک فضای منطقی سهم هر یک از نهاده‌ها و عوامل موثر در تولید محاسبه و به‌دور از هیاهوهای غیرواقعی، به‌رفع مشکلات تولید پرداخته شود. باید توجه داشت هرگونه کاهش غیرواقعی در سهم حق بیمه‌های مربوطه و به‌عبارتی تضعیف صندوق تامین اجتماعی، مستقیماً اثر معکوس در تقویت بخش تولید خواهد داشت؛ چراکه تضعیف تامین اجتماعی و یا سایر صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی منجر با لزوم اصلاحات پارامتریک در این صندوق‌ها و متعاقب آن، تنگ‌نظری در ارائه خدمات و تعهدات بیمه‌های اجتماعی خواهد شد. در این حالت، هرگونه تشدید نگرانی در نیروی کار، موجب افزایش ناامنی و دل‌سردی و متعاقب آن تأثیر مستقیم در کاهش بهره‌وری عوامل تولید خواهد داشت. بدیهی است در این حالت، بیشترین آسیب‌رأتولید خواهد‌دیدو مغیوب اصلی کارگران و کارفرمایان خواهند‌بود تا صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی؛ چراکه اساساً صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی وجود و وجوب خود را از تقویت محیط کار و تولید به‌دست می‌آورند. باید توجه داشت که در یک فرآیند معقول و منطقی، صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی نقطه مقابل جامعه کارگری و یا کارفرمایی و یا دولت نیستند؛ بلکه این صندوق‌ها، ماحصل روابط صحیح سه‌جانبه‌گرایی بوده و هرگونه تغییر من غیرالحق سهم حق بیمه‌های مورد نیاز از یک ضلع یا سایر اضلاع باعث عدم تعادل در صندوق و نتیجه آن خسران همه بخش‌ها خواهد شد.

کارشناسی تامین اجتماعی

### هزینه تعهدات بلندمدت تامین اجتماعی در سه ماهه اول امسال

دفتر آمار و محاسبات اقتصادی اجتماعی سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد که در ۳ ماه ابتدای سال جاری، ۱۰ هزار و ۴۹۱ هزار میلیارد تومان در بخش تعهدات بلندمدت این سازمان هزینه شده که ۵/۶۶ درصد آن مربوط به پرداخت‌های مستمری است. براساس این گزارش، در مدت بیان‌شده، ۶ هزار و ۹۸۱ میلیارد تومان بابت مستمری‌ها پرداخت شده است. همچنین ۲ هزار و ۱۹۵ میلیارد تومان صرف مستمری بازماندگان شده که معادل ۹/۲۰ درصد هزینه‌هاست و علاوه بر آن، ۳۳۷ میلیارد تومان هم برای مستمری ازکارافتادگی هزینه شده که معادل ۲/۳ درصد هزینه‌های بلندمدت این سازمان است.

## ۰۴ | کتینه نو

# سهم ۲ تا ۴ درصدی هزینه‌های تامین اجتماعی در تولید

**یادداشت**

علی خسرویگی

قیمت، یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است که بسیاری از تصمیمات خرید براساس آن شکل می‌گیرد. در نظام‌های رقابتی که امروزه نظام اقتصاد جهانی به‌آن سوق پیدا کرده و دولت‌هابیشتر به‌دنبال اعمال وظایف حاکمیتی از قبیل نظارت و کنترل هستند، عملیات نظام عرضه و تقاضا، تعیین کننده قیمت یک کالا یا خدمت است. این یک ضرورت است که با تدابیر مناسب و به‌کارگیری اقتصادی دستوری، نسبت به تعیین قیمت و ایجاد تعادل در آن یا ایجاد ضوابط و چارچوب مناسب با شرایط جامعه و بازار برای نحوه قیمت‌گذاری برخی از کالاها و خدمات حساس و اساسی اقدام شود. البته هدف این نوشتار، تعیین قیمت تمام‌شده یا تعیین اصولی برای قیمت‌گذاری کالا یا خدمات نیست، بلکه هدف، تعیین سهم حق بیمه‌های پرداختی توسط کارفرما در تعیین قیمت تمام‌شده کالا است. یکی از اجزاء تشکیل دهنده قیمت تمام‌شده یک کالا و یا خدمت، دستمزد نیروی کار و به تبع آن حق بیمه در بافتی بابت این دستمزد است. در مورد یک کالا، قیمت تمام‌شده از اجزای مختلفی تشکیل شده است، از جمله می‌توان به مواد اولیه، سوخت، بیمه، استهلاک، تعمیرات و... اشاره کرد. هر یک از این اقلام، سهمی در تعیین قیمت یک کالا دارند و کارفرمایان همواره در تلاش‌اند تا با مدیریت بهینه سهم اجزای تشکیل دهنده قیمت کالا و به‌منظور موفقیت در بازار، هزینه‌های خود را کاهش دهند. یکی از پیشنهادات برای مدیریت قیمت کالا، کاهش نرخ حق بیمه تامین اجتماعی است. لذا در مقاطع زمانی مختلف، شاهد ارائه پیشنهاداتی برای کاهش یا حذف سهم حق بیمه کارفرمایان به‌منظور حمایت از این قشر و در نتیجه کاهش قیمت تمام‌شده کالاها، هستیم. این موضوع، سوالی را به ذهن متبادر می‌کند که اصولاً، دستمزد و به تبع آن سهم حق بیمه (کارفرمایی) چه نقشی در قیمت تمام‌شده یک کالا دارد که با حذف یا کاهش آن می‌خواهیم قیمت تمام‌شده یک کالا را کاهش دهیم؟ گزارشی که دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی

صنعت	سهم دستمزد کارگاه‌های بزرگ (درصد)	سهم حق بیمه کار فرمای کارگاه‌های بزرگ (درصد)	سهم دستمزد کارگاه‌های متوسط (درصد)	سهم حق بیمه کارفرمای کارگاه‌های متوسط (درصد)
کل صنعت	۴	۰/۸۴	۱۱	۲/۱۶
مواد غذایی و آشامیدنی	۶	۱/۲۸	۶	۱/۱۵
تولید منسوجات	۱۱	۲/۲۴	۱۰	۲/۰۸
تولید چوب و محصولات چوبی	۱۳	۲/۶۷	۱۲	۲/۳۱
تولید کاغذ و محصولات کاغذی	۱۰	۲/۰۸	۱۳	۲/۵۱
صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۴	۰/۸۳	۹	۱/۸۶
تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی	۱۷	۳/۴۹	۲۰	۴/۰۸
تولید فلزات اساسی	۵	۱/۰۰	۶	۱/۱۸
تولید محصولات فلزی فابریکی	۱۲	۲/۴۱	۱۲	۲/۴۶
تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده	۱۰	۱/۹۸	۱۷	۳/۳۱
تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۸	۱/۵۶	۱۴	۲/۷۵
تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق	۷	۱/۳۸	۱۲	۲/۴۲
تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر	۵	۰/۹۴	۱۵	۳/۰۶
تولید سایر وسایل حمل و نقل	۱۳	۲/۶۸	۸	۱/۶۷
تولید میلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده	۱۶	۳/۲۹	۱۶	۳/۲۵

به تحلیل داده‌ها پرداخت و آمارهای مربوط به کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، ۱۰ تا ۴۹ کارکن و ۴۹ کارکن و بیشتر را مورد استفاده قرار داد. آمارهای مورد استفاده در این گزارش، اطلاعات و داده‌های حاصل از نتایج طرح آمارگیری که همه ساله مرکز آمار ایران برای هر سه دسته از کارگاه‌ها تهیه

سازمان تامین اجتماعی تهیه کرده، با استفاده از روش‌های محاسباتی ساده و با رعایت به امکان دسترسی به آمارهای موجود در خصوص هزینه‌های دستمزدی و هزینه‌های تولید، سهم دستمزد و در نهایت سهم حق بیمه از قیمت تمام‌شده کالا محاسبه شده است. طبیعی است از روش‌های مختلفی می‌توان

## ضرورت اصلاح روش‌ها در تامین اجتماعی

می‌پسند که باید در قدم اول این هزینه‌ها را برای کارفرمایان کم کرد. و نکته آخر اینکه ضدتولید و اشتغالزا بودن سازمان تامین اجتماعی، به عنوان یک صندوق بازنشستگی را باید در ناپایداری مالی این صندوق جست‌وجو کرد، نه در حق بیمه‌های پرداختی کارفرمایان به این سازمان. ناپایداری مالی این صندوق، نه تنها باعث می‌شود که این سازمان مازاد منابع را برای تزریق به بخش سرمایه‌گذاری خود – که نتیجه آن ایجاد

عملکرد هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر، فرآیندهای کاری سازمان تامین اجتماعی با کارفرمایان و ... نزد کارفرمایان حساسیت‌زا شده است. مقصر خودمان هستیم که به کارفرمایان احترام نمی‌گذاریم. اینها مصادیق هزینه‌های مبادله‌ای هستند که با عملکردمان به آنها دامن زده‌ایم. درست است که هزینه‌های حق بیمه در قیمت تمام‌شده تولید کم است، اما کارفرمایان از لحاظ روانی، بار آن را سنگین



یکشنبه ● ۲۱ آبان ۱۳۹۶ ● شماره صد و بیست و هشت

A T I Y E H N O

و نتایج آن را منتشر می‌کند. بر این اساس، ارزش کل هر یک از صنایع و سهم محاسبه شده دستمزد از ارزش هر یک از صنایع به‌همراه سهم حق بیمه کارفرما از ارزش هر صنعت برای سه گروه کارگاه‌های بالای ۱۰ نفر کارکن، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و ۵۰ نفر و بیشتر محاسبه و نمایش داده شده است. نتایج در جدول زیر قابل مشاهده است. براساس محاسبات صورت گرفته، سهم حق بیمه کارفرمای تامین اجتماعی، تنها ۲ تا ۴ درصد بر قیمت تمام‌شده کالا تأثیر دارد و بنابراین عملی برای گران شدن تولیدات و یا عامل بازدارنده‌ای برای تولید نیست. این مقدار در مقایسه با سایر هزینه‌های تولید مانند مواد اولیه و سربار، سهم بسیار ناچیزی از قیمت تمام‌شده کالاها ی تولیدی را شامل می‌شود. از منظر دیگر، یکی از مهم‌ترین مسائلی که ساختارهای تامین اجتماعی همواره با آن مواجه هستند، بحث تامین مالی این سازمان است. مقوله مهمی که گاهی در اکثر تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته می‌شود. براساس ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی، منابع درآمدی سازمان، شامل حق بیمه، درآمد حاصل از وجوه و ذخایر سازمان، وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی و کمک‌ها و هدایای پرداختی است. ملاحظه می‌شود منابع درآمدی سازمان، بسیار محدود بوده و ایجاد شرایط مالی ای که بتوان با استفاده از آن، به ارائه مناسب خدمات درمانی به مشترکان ادامه داد، امری مشکل است. در واکاوی علل افزایش نسبت مصارف جاری تامین اجتماعی به منابع حاصل از حق بیمه، علاوه بر تصویب و اجرای قوانین و مقررات مغایر با اصول حاکم بر بیمه‌های اجتماعی مانند بازنشستگی‌های پیش‌از موعد، بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور، کاهش سن بازنشستگی و ... که بار مالی قابل توجهی را به سازمان تحمیل کرده، می‌توان از انواع بخشودگی‌ها و کاهش‌ها در نرخ حق بیمه کارفرمایان و همچنین عدم پرداخت سهم حق بیمه دولت نام برد. بنابراین اصرار بر اینکه سهم حق بیمه کارفرمایی، مانع تولید می‌باشد و باید کاهش یابد، نمی‌تواند موجه باشد و باید علت کاهش تولید و بیکاری را در جای دیگری جست‌وجو کرد.

رئیس گروه مطالعات اقتصادی و اجتماعی دفتر آمار و محاسبات سازمان تامین اجتماعی

اشتغال در کلان اقتصاد کشور است – نداشته باشد، بلکه باعث می‌شود به دلیل تولید و مسئولیت دولت در صندوق‌های بازنشستگی، نظیر سایر صندوق‌های بازنشستگی عمومی، صندوق بازنشستگی کشور و سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح، پولی که می‌بایست در سطح کلان اقتصاد کشور در قالب بودجه عمرانی صرف سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال گردد، صرف پرداخت مستمری پایان‌ماه‌مشمولان این صندوق گردد و در این شرایط است که ضدتولید و اشتغالزا بودن سازمان تامین اجتماعی، در بازار کار عینیت می‌یابد.

کارشناس تامین اجتماعی

### در نامه سرگشاده ۸ شکل کارگری، کارفرمایی و بازنشستگی عنوان شد:

## در خواست از رئیس جمهور برای تداوم حمایت از تامین اجتماعی

خروجی‌ها، کسری شرایط نقدینگی، تولید و انباشت بدهی‌های دولت، استفاده از منابع سازمان برای پیشبرد طرح‌هایی که ذی‌نفعان واقعی سازمان از آن بی‌بهره‌اند، نشان‌دن میهمنان ناخوانده بر خوان تامین اجتماعی، بی‌عدالتی در برخورداری و سهم‌بری از منابع عمومی و ... گردیده است که امیدواریم با درایت و حسن تدبیر حضرتعالی در دولت دوازدهم دیگر شاهد این مصائب نباشیم.» در انتهای این نامه، از ریاست‌جمهور در خواست شده است تا در تصمیم‌گیری‌ها پیرامون انتصاب ارکان تصمیم‌گیری و اجرایی سازمان، همچون سال ۱۳۹۲، به ظرفیت‌های درونی و افراد آشنا و آگاه به مسائل، توجه گردد و نمایندگان تشککل‌های قانونی شرکای اجتماعی، در این تصمیمات مشارکت داده شوند. تشککل‌های امضاکننده این نامه، عبارت‌اند از: کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان تهران، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران، کانون انجمن‌های صنفی کارفرمای استان تهران، کنفدراسیون صنعت ایران، اتاق اصناف تهران، کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی استان تهران، کانون کارکنان بازنشسته سازمان تامین اجتماعی.